



۲۰۱۴/۰۷/۱۱



م، نعیم بارز

داکتر عبدالله عبدالله و حرکت های افسار گسیخته!

بن بستى که از چندی بدینسو در اثر انتخابات ریاست جمهوری دامنگیر مردم و کشور گردیده، معلوم نیست که سر انجام چه پیامدی را به بار خواهد آورد، فقط یک چیز به خوبی پیداست که جامعه و دولت از چنان ظرفیت ها و پوتانسلی بهره مند نیست که بتواند در موقع لازم برای هر مشکلی راه حل مناسبی ارائه کرده و نگذارد که حالت به بن بست منجر گردد. اما علاوه بر این اندک نیروی روشنفکری و به اصطلاح جامعه مدنی که بوجود آمده آنها بجای رسانیدن خیر و اثر راه گشاه به این مناقشات و مخالفت های مشابه مخزن باروت و سلاح، با اظهار سخنان ناشیانه شان جرعه پرتاب می کنند.

از سوی دیگر درون مایه، یا خوی و خاصیت اصلی جنگسالاران و نخبگان بیرون آمده از آتش جنگ که همانا خشونت و قانون شکنی است بر هیچ کس پوشیده نیست، اگر آنها ظاهراً از مردم ستائی و خدمت و سازندگی به کشور سخن می گویند این نوع اظهار نظر های پوچ آنها همواره آشکار شده است، بخصوص در موقعیت هایی که مسأله چگونگی ساختار حاکمیت و نحوه رسیدن به قدرت پیش آمده، دیده شده است با وجود اسلام نمائی حتی به دین و قسم در خانه کعبه هم وفادار نبوده اند، در همان روزی که به خواست شان نرسیده اند، بلا معطلی خاصیت خشونت ز و عدم مسؤولیت پذیری شان را برملا ساخته اند.

و اینک یکبار دیگر داکتر عبدالله عبدالله و حامیانش که بدون شایستگی و کفایت لازم خود را با زور و ارعاب در مقامات بلند دولتی جا زده اند، عملاً شعار (یا ارگ - یا مرگ) را پیش کشیده اند.

جناب داکتر عبدالله، قانون اساسی، نهاد انتخابات، رئیس جمهور و هیچ چیزی را قبول ندارد وقتی از وی پرسیده می شود که پس چه می خواهید؟ می گوید «موضوع را با مردم در میان می گذارم». او این جمله را به تکرار چنان بیان می کند که گویا همه مردم افغانستان یک سر داشته و دارای یک اراده اند در حالیکه چنین نیست زیرا هر فرد دارای اراده، خواست ها و امیال خاص خود می باشد. جناب شان نه تنها مجموع مردم افغانستان که حتی مردمی را که در جناح رقیب سیاسی وی قرار دارند هم نا دیده می گیرد، چنانکه چند روز قبل خود با یک عده ای از حامیان شتاب زده و سراسیمه به خیمه لویه جرگه رفته در آنجا هیجان زده به سخن رانی پرداخته که گوئی اگر به ریاست جمهوری نرسد عنقریب به امر و تصمیم خود قیامت برپا خواهد کرد، مثلاً می گوید «اگر قطعه قطعه شوم نمی گذارم» این چیغ زدن ها و حلقوم پاره کردن ها شاید از دید یک روان شناس، ناشی از عقده محرومیتی بوده باشد که در ایام طفولیت به وی آسیب رسانده باشد و یا از دوران نوجوانی تا حال کدام غده یا زخم چرکین در ذهن و روانش بوده که باز و مداوا نشده و باعث رنج و آزارش گردیده و او را هیچگاه آرام نمی گذارد.

به قول روان شناسان مشکل و خطر اصلی این نوع عقده ها اینست که در محدوده ضمیر ناخود آگاه شخص باقی نمی ماند، بخصوص بیشتر از هرکس دیگر در فرد سیاسی مقتدر ایجاد خطر می کند، چون، تبلیغ و تلقین وی بر بعضی حامیان و مردم عوام که بیشتر تابع احساسات و عواطف خود می باشند تاثیر گذاشته جای عقلانیت و منطق شان را احساسات مهار نشده فرا می گیرد و برای رسیدن به خواست شان از هیچ عمل خشونت بار دریغ نمی ورزند. چنانکه در طول تاریخ دیده شده زیر نام این و آن بیشترین اغتشاشات و انقلابات را توده های تلقین شده به راه انداخته اند و بعد نتایج منفی آن بر ملا شده است. مثلاً انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ روسیه به تلقین و تبلیغ لنین و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ایران به تلقین و تبلیغ آیت الله خمینی.

ما در مدت سی و پنج سال نمونه های بسیار خشونت بار را در انقلاب به اصطلاح دیموکراتیک، جنگ و جهاد تنظیم ها و گروه طالبان دیده و می بینیم و باز هم اثر این عمل تلقین به خشونت را در بعضی حامیان داکتر عبدالله در خیمه لویه جرگه با پاره پاره کردن عکس رئیس جمهور کززی دیدیم، از صحنه وحشت بار به خوبی پیدا بود که اگر از همین حالا جلو شان گرفته نشود بدون تردید دیری نخواهد پایید که با اعلام تشکیل دولت موازی با دولت موجود جنگ بسیار خونبار داخلی به راه خواهند انداخت.

د پائو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې ښې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

داکتر عبدالله چند روزی از حامیانش وقت گرفته و منتظر تشریف آوری جان کری وزیر خارجه دولت ایالات متحده امریکا است زیرا قبلاً از سوی وی هوشدار داده شده بود تا کسی و یا جناحی خلاف قانون کاری نکند و الا از کمک های امریکا و هم پیمانانش، افغانستان محروم خواهد شد. گرچه در گذشته بار ها ثابت شده که اینها هرگز به فکر جان مردم و منافع ملی نیستند اما در برابر زور و زر کرنش و اطاعت می کنند.

امروز جمعه ۲۰۱۴/۷/۱۱ قرار است جان کری به افغانستان بیاید، دیده شود چه راه حلی را پیش می کشد که برای هر دو طرف یعنی داکتر اشرف غنی احمدزی و داکتر عبدالله عبدالله قابل قبول باشد.

حکومت ائتلافی را احمدزی نخواهد پذیرفت حق هم دارد زیرا پیروز انتخابات است، پیروز بدین معنی که اگر گفته شود تقلب و تخطی بسیار در امر انتخابات صورت گرفته بدون تردید متوجه هر دو طرف خواهد بود لذا اگر زیر نام تقلب از رأی داکتر احمدزی دو برابر رأی تقلبی داکتر عبدالله عبدالله کم و باطل شناخته شود باز هم رأی داکتر احمدزی بیشتر از رأی داکتر عبدالله خواهد بود چون تفاوت رأی اشرف غنی یک میلیون بیشتر از رأی است که داکتر عبدالله بدست آورده است.

پرداختن بیشتر به این مسأله بیهوده است چنانکه تا کنون از هر سو که به بحث گرفته شده بیهوده بوده، آنچه پایه و اساس تصمیم گیری است، قانون اساسی می باشد که به موجب آن قانون انتخابات بوجود آمده و با همه کمی و کاستی نهاد قانونی انتخابات شکل گرفته و ممکن نیست هیچ مقام و مرجع داخلی و خارجی وجود تصامیم کلی و نهائی آنرا نادیده گیرد. می باید تا جائیکه ممکن باشد رأی تقلبی از رأی صحیح و سالم شناسائی شده بعد نتیجه نهائی آرای هر یک اعلام گردد آنگاه هر یک طبق قانون مکلف اند به آن گردن نهند.

مسأله دیگر نقش مشورتی وزیر خارجه امریکا است او حق ندارد خلاف نتیجه کمیسیون انتخابات و کمیسیون رسیدگی به شکایات باز هم چون سال ۲۰۰۱ حکومت ائتلافی را بر کاندید پیروز در انتخابات ریاست جمهوری تحمیل نماید، اگر چنین شود سیزده سال به عقب رفتن و باز هم دعوی تقسیم قدرت به راه انداختن است. بگذارند که بر وفق اراده و خط مشی رئیس جمهور، حکومتی تشکیل گردد تا مطابق به همان خط مشی اجراء صورت گیرد. نه آنکه یک کابینه ائتلافی بوجود آید که هر روز کشمکش بر سر قدرت و خویش خوری جریان داشته و هیچ کس نزد هیچ مرجع و مقام جواب ده و مسؤول نباشد.

اگر رئیس جمهور حق نداشته باشد که کابینه اش را خود انتخاب نماید اصلاً او رئیس جمهور و رئیس حکومت گفته نمی شود و همچنان باید کاندید شکست خورده در انتخابات به حیث جناح مقابل، مخالف و یا اپوزیسیون (opposition) در جای خود قرار گیرد در غیر آن در جامعه ای مثل افغانستان که احزاب ورزیده سیاسی وجود ندارد با تشکیل حکومت ائتلافی، دیموکراسی مفهوم خود را از دست می دهد. البته در مشارکت ملی جای بحث نیست زیرا در هر حکومت و دولتی افراد مخالف یا موافق با خط مشی رئیس دولت وجود می داشته باشند، یعنی در بدنه دولت هر فرد حق کار و صلاحیت کاری خود را دارد. خلاصه مشارکت ملی درست، اما حکومت ائتلافی نه.

پایان

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ